هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

انتقال قدرت

اقدام بی سابقه در کشور

ص۲

جمعیت اسلامی افغانستان و مواضع صلح خواهانهٔ آن در تمام عرصه ها

ص۵

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و سوم ٤جدی ۱۳۸۹ ۱۸محرم ۱٤۳۲ - 25 December 2010

پدیدهٔ انتقال قدرت در تاریخ سیاسی افغانستان



مجاهدین، همان گونه که در برابر اشغال کشور، قهرمانانه برای آزادی و دور کردن ننگ اشغال از دامن مادر وطن رزمیدند و عنوان قهرمان آزادی را به خود اختصاص دادند، با انجام انتقال قدرت، لقب قهرمانی در عرصهٔ صلح را نیز به خود اختصاص دادند

ص۳

فرازهایی از سخنرانی استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت

در محفل انتقال قدرت

(اول جدی ۱۳۸۰ هجری خورشیدی)

- اینجانب گرچه در آغاز کار اصرار داشتم اعضای ادارهٔ موقت در پایتخت کشور در شهرکابل تعیین گردند تا تاریخ و مردم در مورد ما حکم نکنند که حکومت افغان ها در خارج از مرزهای شان ساخته شد اما با توجه به ضرورت فوری برگشت صلح و علاقمندی جامعه جهانی، به آن راضی شدم.
- در این برههٔ حساس از تاریخ، سرنوشت سرزمین زیبا و ملت قهرمان و حماسه آفرین ما بعد از تحمل رنج های فراوان، قربانی ها، آوارگی ها، ویرانی ها و اندوه بی پایان، اینک با سرنوشت بشریت متمدن گره خورده است، و منافع علیای ملی ما با منافع جامعهٔ جهانی هم سویی یافته و کشور فراموش شدهٔ ما در محراق توجهٔ جهانی قرار گرفته است.
- خداوند خیرالناصرین را سپاسگذارم که به من و همکارانم توفیق عنایت فرمود تا در چوکات دولت اسلامی و جبهه متحد اسلامی و ملی افغانستان بار دیگر مانند دوران پرشکوه و باعظمت جهاد در برابر ارتش سرخ، در امر نجات وطن و مردم خویش سهم عمده و اساسی داشته باشیم.
- فرماندهان با شهامت و دلیر مردان مجاهد کشور که بیش از دو دهه عمر عزیزشان را در سنگرهای افتخار آفرین سپری نموده اند. در حفظ صلح و ثبات کشور از اهمیت خاصی بهره منداست، و یقینا که قهرمانان جهاد و مقاومت دیروز، امروز به عنوان قهرمانان صلح و ثبات به عرصهٔ تاریخ معاصر کشور خویش قدم خواهند گذاشت.
- اکنون زمان آن فرارسیده است تا هموطنان آگاه و با فرهنگ و مردم صمیمی و خوش قلب افغانستان، فارغ از تعصب و تعبیض نژادی، لسانی و مذهبی و گروهی در فضای پر از محبت با صفا و صمیمیت دست در دست هم داده و در ساختار افغانستان نوین، افغانستان مستقل، سربلند و آزاد و آباد با بکارگیری و استفادهٔ معقول از کمک های جامعهٔ بین المللی در اعمار مجدد وطن ویران خویش، با هم یاری و همکاری نمایند.
- از عموم کشورهای همسایه، منطقه و جامعهٔ بین المللی تقاضا دارم بعد از این اجازه ندهند در امور داخلی و سرنوشت مردم کشور ما تحت هیچ نام و عنوانی مداخله صورت بگیرد. چه همه به این حقیقت تلخ آگاهی دارند که عامل اساسی رنج های بی پایان ملت ما و دغدغه های اندوهبار جامعهٔ جهانی دراین ایام، همانا مداخله های ظالمانه در امور کشورما بود. مگر لانه های تروریستی در سرزمین ما جز پیامد و سوغات همین مداخلات بیرونی عاملی دیگری دارد؟
- امیدوارم کشورهای علاقمند به صلح و ثبات و استحکام حکومت مرکزی توجه جدی خویش را معطوف نمایند و از برقراری روابط مستقل حکومت مرکزی و گروه هایی که باعث بی ثباتی حکومت مرکزی گردد اجتناب ورزند. جهان به اراده ملی مردم افغانستان در تشکیل نظام و زعامت سیاسی شان احترام نماید و مطابق ذوق و سلیقه های بخصوص هیچ جهتی، فرد و یا گروه وسیستم خاصی را بر مردم ما تحمل نه نماید.
- من و یاران همسنگرم که دیروز در راه دفاع از تاریخ و فرهنگ استقلال و آزادی کشور در سنگر جهاد و مقاومت مسلح قرار داشتیم، اکنون همراه با سایر فرزندان آگاه و دلسوز ملت در بسیج ملی به منظور وارد شدن به مرحلهٔ نوین از حیات سیاسی و اجتماعی مردم کشورکمر همت بسته در جبههٔ وسیع و فراگیری به کار خویش در عرصهٔ فرهنگی و سیاسی آن ادامه می دهیم، و در تقویت صلح و ثبات در کشور از هیچ تلاش سازنده یی در راه پیاده شدن اهداف جهاد و آرمان شهدای عزیز دریغ نخواهیم کرد.

۲۰۱۴ سال سرنوشت

ص۲

رئیس شورای عالی صلح در سفر به ننگرهار:

جنگ برای هیچ جناحی دست آورد خوب ندارد، بلکه صلح است که برای همه، خوشبختی و سعادت به بار می آورد



د مرغومي شپږمه د يوې داسې غميزې پيل چې لا تر اوسه دوام لري



د مرغومي د شپږمې نیټې تور ماښام د تاریخ هغه برخه ده چې د افغانانو قطبي دوستان (!) یې د هغوې په دښمنانو بدل کړل او د څو تش په نامه افغان ګټو پروژو په جوړولو سره یې د افغانانو څخه د خپل هیواد د څمکنی بشپړتیا او ملي حاکمیت واك واخست او هیواد پلورونکي کارمل خپل آقایان په ټانکونو سپاره افغانستان ته په داسې حال کې را دننه کړل چې پاس په سر یې هم د روسیې برګیو چورلکو غومبې جوړ کړي وو. او افغانان یې د مرغومي د شپږمی نیټې د کرغیړن ماښام واړول

۷مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، چوک دهمزنگ به استقامت سرک دارالامان، دست چپه نرسیده به هوتل کابل شاهان
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

انتقال قدرت

اقدام بی سابقه در کشور

زمانی که حادثهٔ ۱۱ سپتامبر در امریکا رخ داد و برج های تجارتی آن هدف هواپیماها قرار گرفت، امریکا و جهان را نگران ساخت، همان بود که دست به کار شدند تا لانه های تروریسم را خنثی سازند. گرچه تا آن زمان، مردم مجاهد افغانستان در برابر این نابرابری ها و تروریسم به مقاومت می پرداختند و فرزندان عزیزان شان را، مال و دارای مردم به تاراج رفت، جامعهٔ جهانی و در رأس امریکا مهر سکوت بر لب نهادند. اما با فروپاشی مرکز تجارتی در امریکا، قوت های نظامی امریکا و متحدین شان، با تصویب شورای امنیت، به افغانستان سرازیر شدند، مراکز تروریستی توسط هواپیماهای نظامی در داخل و با راکت های دوربُرد از بحر هند دقیق هدف قرار گرفت و از جانبی هم نیروی های مقاومت نیز عرصه را بالای طالبان تنگ کردند، بالاخره به شکست مواجه شدند. بعد از این حادثه، کنفرانس بُن تشکیل و توجه جامعهٔ جهانی به خصوص امریکا به کشور ما جلب شد و همان بود انتقال قدرت صورت گرفت.

اول جدی سال ۱۳۸۰ هجری شمسی مصادف است با روز انتقال قدرت از استاد برهان الدین ربانی به حامدکرزی.

گرچه در افغانستان سابقه ندارد که صاحب اقتداری، بدون درگیری و کودتا و کُشت و خون. قدرت را به طور مسالمت آمیز تسلیم کسی دیگری کرده باشد. اما رهبران مجاهدین خصوصاً شخص استاد ربانی این را به اثبات رسانیدند که انچه انجام می دهند به منظور منافع علیای کشور و آرامش مردم و جهت رهیدن و نجات مردم از آوارگی و درد و رنج شان می باشد.

جهاد و مقاومت و دفاع در برابر اتحاد جماهیر شوروی سابق و طالبان و گروه های اجنبی در کشور، مسوولیتی بود که مردم افغانستان بسیار جرئتمندانه و فداکارانه انجام دادند.

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت مردم افغانستان، حین انتقال قدرت به حامدکرزی در حالی که آن روز را یک روز تاریخی و پر افتخار و با عظمت خواند، گفته بود: « بیش از هر وقت دیگر به آیندهٔ تابناک و روشن کشور و مردم خویش خوشبین و امیدوار می باشم.»

همچنان استاد در این روز تأکید شان به خاطر آمدن صلح و ثبات در کشور بود که مردم افغانستان از جنگ و آشوب سخت رنج می برند. ایشان در قسمتی از سخنان شان فرمودند: « خواهران و برادران هموطنم که داغ و درد روزگار اندوهبار توطئه و تجاوز را با همه وجود خود لمس کرده اند و از جنگ و آشوب سخت رنج برده اند، بیش از دیگران به ارزش صلح و صفا، ثبات و امنیت در کشورشان علاقه مندند.»

استاد در محفل انتقال مراسم انتقال قدرت، به مجاهدان و مقاومتگران نیز در راستای آوردن صلح و امنیت در کشور توصیه نموده، گفته بودند: « فرماندهان با شهامت و دلیرمردان مجاهد کشور که بیش از دو دهه عمر عزیزشان را در سنگر های افتخار افرین سپری نموده اند در حفظ صلح و ثبات کشور که از اهمیت خاصی بهره مند است، و یقیناً که قهرمانان جهاد و مقاومت دیروز، امروز به عنوان قهرمانان صلح و ثبات به عرصهٔ تاریخ معاصر خویش قدم خواهند گذاشت.»

گرچه بعد از انتقال قدرت، از جانب دولت آقای حامد کرزی مجاهدان و مقاومتگران مورد بی مهری زیادی قرار گرفتند و توسط گماشتگان، رهبران و فرماندهان جهاد و مقاومت توهین شدند. اما مجاهدین و رهبران شان به خاطر منافع علیای کشور و آمدن صلح و ثبات، در برابر هر توطئه و دسیسه یی از خود خویشتن داری نشان دادند و نخواستند اوضاع کشور رو به وخامت گراید. این است معنی ایثار و از خودگذری و مردم دوستی.

وحید مژده

۲۰۱۴ سال سرنوشت



بازنگری استراتژی امریکا در افغانستان که نتایج آن را باراک اوباما اعلام نمود، پرده از اختلافات میان دولتمردان امریکا در مورد این جنگ برداشت. هرچند اوباما از کارکرد یکسالهٔ این راهبرد ابراز رضاییت نمود و از پیروزی علیه طالبان سخن گفت اما بسیاری از ناظرین به این باور اند که این ادعا با واقعیت های موجود در افغانستان همخوانی ندارد.

بازنگری در استراتژی امریکا زمانی اعلام می شود که دو تن از کسانی که یک سال قبل برای تطبیق این استراتژی در بخش های نظامی و ملکی موظف شده بودند، از صحنه کنار رفته اند. جنرال استانلی مک کریستال بعد از اختلاف با مقامات ارشد رهبری امریکا از وظیفه استعفا داد و ریچارد هالبروک نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان نیز چشم از جهان فرو بست.

در مورد تاریخ خروج نیروهای خارجی سال هاست که حرف های ضد و نقیض بگوش می رسد. حتی زمانی انگلیس ها اعلام داشتند که شاید حضور نیروهای شان تا بیست و پنج سال در افغانستان ادامه یابد. وقتی باراک اوباما اعلام نمود که از سال ۲۰۱۱ خروج نیروهای این کشور از افغانستان آغاز خواهد شد، بعضی از مقامات نظامی امریکایی این تاریخ را برای خروج نیروهای شان حتمی ندانسته و گفتند که خروج نیروها به شرایط و اوضاع امنیتی در افغانستان رابطه دارد.

اکنون جوبایدن معاون رییس جمهور امریکا به صراحت می گوید که سال ۲۰۱۴ سال خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان خواهد بود. وی به شبکهٔ تلویزیونی ان بی سی نیوز گفت که نیروهای امریکایی از سال ۲۰۱۱ آغاز شده و این نیروها تا سال ۲۰۱۴ به صورت کامل این کشور جنگ زده را ترک خواهند کرد.

اظهارات جوبایدن در مورد خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، قاطع ترین حرفی است که تاکنون از زبان یک مقام عالیرتبهٔ امریکایی شنیده می شود.

حکومت افغانستان اعلام داشت که از این استراتژی حمایت می کند و در بررسی تازهٔ استراتژی امریکا در قبال افغانستان، برخی مسایل عمده یی است که باید به آن توجه بیشتر صورت گیرد. حکومت افغانستان به این باور است که باید این استراتژی به تروریسم در افغانستان پایان دهد. سخنگوی رییس جمهور کرزی در حالی که از آمادگی نیروهای افغان برای گرفتن مسوولیت سر از سال آیندهٔ عیسوی سخن می گوید در رابطه به اظهارات جوبایدن معاون رییس جمهور امریکا گفت که نیروهای خارجی تا زمانی که به آنها ضرورت باشد در افغانستان باقی خواهند ماند.

جنرال مایک مولن لوی درستیز قوای ایالات متحدهٔ امریکا در سفر به کابل در مورد جنگ در افغانستان گفت که پیشرفت های نیروهای خارجی در طول سال گذشته مخصوصا در مناطق جنوب و شرق افغانستان چشمگیر بوده است. این درحالیست که در طول سال گذشته هفتصد نظامی خارجی در افغانستان به قتل رسیده که حدود پنجصد تن از آنان امریکایی بوده است.

از جانب دیگر کرسچن ساینس مانیتور از قول جیمز کارتوریت معاون آقای مک مولن می نویسد که گفته است ما از آغاز کار توجه بیشتر را به مبارزه با شورشگری متمرکز کردیم و کمتر به استراتژی ضد تروریسم پرداختیم ولی حالا باید به استراتژی ضد تروریسم تمرکز نماییم.

این سخنان ضد ونقیض در مورد جنگ افغانستان نمایانگر این حقیقت است که پس از ده سال امریکا به این نتیجه رسیده است که جنگ در افغانستان به آن سادگی که در ابتدا گمان می کرد نیست. افغانستان دامی خطرناک تر از ویتنام است و باید قبل از این که دیر شود باید بساط درگیری با شورش در افغانستان را برچید.

امریکایی ها به این باور اند که یکی از دلایل شورش در افغانستان عدم وجود یک حکومت داری خوب است و آنچه که مردم را به شورش علیه نظام واداشته است بیشتر ناشی از فساد در داخل نظام است. مبارزه با شورشگری نیاز به یک حکومت خوب با کارکرد شفاف و به دور از فساد و رشوه دارد. تا چنین حکومتی در افغانستان به میان نیامده است، نمی توان به پیروزی علیه شورشگری در افغانستان امید بست.

آیا مسوولیت همهٔ این فساد و خیانت را باید به دوش افغانستان انداخت؟ در همین اواخر یک هیئت بررسی امریکایی که در مورد کمک های امریکا به افغانستان تحقیق می کرد گزارش خود را منتشر ساخت که در آن تصریح گردیده که میلیارد ها دالر کمک امریکا به افغانستان به هدر رفته است. پس همانگونه که خود امریکایی ها هم اعتراف می کنند فساد تنها در حکومت افغانستان نیست بلکه خارجی ها هم درافغانستان به فساد گسترده دست زده اند. قابل دقت است که مقامات امریکایی در عراق هم به فساد مالی متهم شده بودند. جایی که پای امریکا برسد، فساد به صورت طبیعی رشد می کند.

در اینجا این سوال به میان می آید در صورتی که در موجودیت یک نظام فاسد حتی دوصد وپنجاه هزار سرباز تا به دندان مسلح خارجی و پیشرفته ترین تکنالوژی نظامی روز دنیا نمی تواند علیه شورشگری پیروز گردد، پس چگونه می توان امیدوار بود که بعد از خروج این نیروها، اردو و پولیس ملی خود این کشور که نه به قدر کافی آموزش دیده اند و نه هم از تجهیزات کافی برخوردار اند بتوانند در برابر شورشگری مقاومت کنند؟

امروز امریکا به باور خودش در پاکستان استراتژی ضد تروریسم را دنبال می کند یعنی با استفاده از طیارات بدون سرنشین، اهدافی را در داخل خاک آن کشور مورد حمله قرار می دهد و شاید بعد از خروج نیروهای امریکایی از افغانستان، فعالیت های رزمی امریکا هم در همین حد و یا احیانا در صورت ضرورت به شلیک راکت های کروز از بحر هند به خاک افغانستان محدود گردد. به معنی دیگر جنگ افغانستان به خود افغان ها مربوط است و امریکایی ها فقط به بخش هایی از این جنگ کمک خواهند کرد که به تروریسم رابطه می گیرد.

اما آیا واقعا امریکا می خواهد افغانستان را در آتش جنگ رها کند و پا از معرکه بیرون نموده و به داشتن دستی از دور به این آتش اکتفا نماید؟

در حالی که در طول ده سال گذشته امریکا در افغانستان تلفات جانی سربازان و مصارف هنگفت مالی را متقبل شده است، به نظر نمی رسد که چنین سیاستی زیاد عاقلانه و ناشی از دوراندیشی باشد. اما باید به خاطر داشت ص۳

پدیدهٔ انتقال قدرت در تاریخ سیاسی افغانستان



انتقال قدرت توسط مجاهدین در تأریخ سیاسی افغانستان صفحهٔ جدیدی را باز نموده و افتخاری است که تنها مجاهدین، آری تنها و تنها مجاهدین کمائی کردند.

سید عنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

واژهٔ قدرت در فرهنگ یکی از واژه های کلیدیی است که در تعاملات سیاسی و بازی های سیاست به حیث یک عنصر محوری به خوانش گرفته شده و حتی می توان آن را انگیزهٔ اساسی در همه بازی ها و تعاملات سیاسی عنوان کرد.

انتقال قدرت در تاریخ سیاسی معاصر جهان از جمله جنجال آفرین موضوعاتی به شمار ر فته و در قرائت دموکراسی از عمده ترین مباحثی است که دموکراسی بدون این مقوله، می شود میان تهی و فاقد معنی، و جلوه ای می گردد از استبداد در پوشش جدید آن.

اما مقولهٔ انتقال قدرت در سیاست در تاریخ سیاسی افغانستان حه در گذشته های دور و چه در دوره های معاصر اعم از دوره های بحران و استقرار، مقوله ای است نا اشنا و مردم به گونهٔ عام در فضای سیاسی ایجاد شده توسط اربابان قدرت بدین پندار بودند که قدرت سیاسی عطیه یی است الهی که جهات و خانواده های خاصی بدان نایل می شوند. همانگونه که به مردم تلقین گردیده بود که دفاع از دین و میهن هم به ارادهٔ آن ها گِره خورده است.

اما با فروریزی تخت وتاج در شکل شاهی وجمهوری آن و ظهور استبداد دکتاتوری پرولتریا که مردم درآتش می سوختند، قدرت جدیدی از میان مردم و باورهای اسلامی آن عرض وجود کرد که وضع حاکم را در سطوح مختلف به چالش گرفته و در نهایت امر در چارچوب توافق نامهٔ مجاهدین قدرت را به دست گرفته وحضرت صبغت الله مجددی به حیث ممثل دولت ـ نه رئیس- زمام امور را متصدی شد.

استاد برهان الدین ربانی با کسب مشروعیت رهبری از طریق برگزاری شورای اهل حل وعقد به حیث رئیس دولت اسلامی افغانستان به کار خویش آغاز نموده و در این وقت است که نیروهای مخالف این مشروعیت را در سطح داخل و خارج کشور به بحران آفرینی دست یازیده و مقولهٔ بحران مشروعیت را به نشخوار می گیرند.

رهبری دولت اسلامی افغانستان با پایان یافتن مدت تعیین شده در شورای اهل حل و عقد همواره در دید وادیدهای خود با مخالفان خویش و مدعیان قدرت سیاسی مکانیزم تحویل قدرت را مطرح نمود و در همه مذاکرات خود از طریق نمایندگان خویش بدان تمسک می ورزید و حتا شهید احمد شاه مسعود هنگام مذاکره با هئیت رهبری طالبان در میدان شهر همه پیشنهادهای آن ها را در مورد اصلاحات پذیرا شد و اما در مورد تحویل قدرت موضوع انتخابات و رأی مردم را به حیث راه مشروع تحویل قدرت عنوان کرد.

جلسهٔ بن با همه بگو مگو ها و ملاحظاتی که پیرامون آن وجود دارد به حیث آغاز یک مرحلهٔ جدید در تاریخ سیاسی افغانستان- صرف نظر از پیامدهای آن که از طریق نوشته ها وحتی اظهارات رهبری دولت در آن وقت ابراز گردیده بود- به شمار رفته و آزمونی بود برای نیروهای جهادی در رأس رهبر جهاد ومقاومت که با در نظرداشت پایان دادن به بحران کشور روزنهٔ صلح و آرامش در زندگی مردم، انتقال قدرت در شکل متمدنانهٔ آن انجام پذیرفت.

گرچه از آغاز انتقال قدرت تا همین اکنون نظرهای مغرضانه ای پیرامون انتقال قدرت توسط مجاهدین صورت گرفته و به نشخوار گرفته می شود که در واقعیت امر بازگو کنندهٔ مواضع خصمانهٔآنان نسبت به جهاد و مجاهدین بوده و تلاش می ورزد نقش مجاهدین و رهبری جهاد و مقاومت را در این پروسه کمرنگ جلوه داده و این دست آورد مجاهدین را نتیجهٔ فشار ملل متحد ونیروهای بین المللی وا نمود سازند!

اما وقائع روزمره وحوادث جاری در کشور بازگو کنندهٔ این امر است که آنان حقایق را کور خوانده اند. نیروهای بین المللی را باهمه برگ و ساز نظامی پیشرفته خویش تا هنوز در فرونشاندن آتش بحران ـ طالبان که در بخش های محدود کشور فعالیت دارند ـ ناموفق اند. اگر مجاهدین با اتکا به باورهای اسلامی و ملی خویش به این کار مردانه اقدام نمی کردند آیا امکان آن وجود داشت که آنان را با همه امکانات مادی و معنوی که داشتند، و ادار به تسلیم کرد؟

آری! بر بنیاد آن چه گفته اند انتقال قدرت توسط مجاهدین در تأریخ سیاسی افغانستان صفحهٔ جدیدی را باز نموده و افتخاری است که تنها مجاهدین، آری تنها و تنها مجاهدین کمائی کردند.

مجاهدین با این عمل خویش ثابت کردند همان گونه که در برابر اشغال کشور، قهرمانانه برای آزادی آن و دور کردن ننگ اشغال از دامن مادر وطن رزمیدند و عنوان قهرمان آزادی را به خود اختصاص دادند، با انجام انتقال قدرت، قهرمانی در عرصهٔ صلح را نیز به خود اختصاص داده و زمینهٔ آن را مهیا کردند که آوارگان این مهین ـ اعم از کسانی که در اثر اهمال و غفلت شان وطن در اشغال شد و آن هایی که در اثر تهاجم نیروهای متجاوز وطن را ترک و دارایی خویش را از دست دادند ـ دو باره به وطن خویش بر گردند و در وطن و مأوای اصلی خویش جابجا شوند.

۲۰۱۴ سال ...

که مصارف یک سالهٔ جنگ افغانستان اکنون به ۱۲۰ ملیارد دالر رسیده است. مخالفت مردم امریکا با جنگ افغانستان بر بنیاد بعضی از نظر سنجی ها بیش از شصت درصد رسیده است. و نیز باید به خاطر داشت که سال ۲۰۱۴ سال انتخابات ریاست جمهوری در امریکاست. دیموکرات ها نمی خواهند در آن انتخابات شکست بخورند در حالی که این شکست انتخاباتی ناشی از پیامد های جنگی باشد که رقیب شان حزب جمهوریخواه آن را آغاز کرده اند.

همهٔ اینها می تواند روی سیاست های امریکا در مورد افغانستان به عنوان مهمترین بخش از سیاست خارجی دولت اوباما تاثیر گذار باشد.

امریکایی ها همیشه گفته اند که حتی بعد از خروج از افغانستان نیز خود را به کمک به افغانستان متعهد می دانند و هرگز احازه نمی دهند که طالبان بار دیگر در این کشور به قدرت برسند. اینکه قرار است قرارداد استراتژیک طویل المدت میان افغانستان و امریکا به امضاء برسد می تواند به معنی ادامهٔ همین تعهد باشد اما آیا این تعهدات چقدر به سخنان بایدن هماهنگ است؟ معلوم نیست.

در این رابطه یک احتمال دیگر را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه شاید امریکا می خواهد تا آن زمان با مخالفین مسلح در افغانستان به نوعی توافق دست یابد. موضع جدید حزب اسلامی افغانستان در رابطه با پایپ لاین گاز که باید از ترکمنستان تا هند تمدید گردد، می تواند چراغ سبزی به جامعهٔ جهانی باشد. حزب اسلامی اعلام داشته است که این پایپ لاین به نفع مردم افغانستان است و چون بدیل پایپ لاینی است که قرار بود از طریق ایران به هند امتداد یابد، از آن پشتیبانی می کند. نشان دادن موضع ضد ایرانی از جانب حزب اسلامی اشارهٔ معنی دیگری در این رابطه است.

رئیس شورای عالی صلح در سفر به ننگرهار:

جنگ برای هیچ جناحی دست آورد خوب ندارد، بلکه صلح است که برای همه خوشبختی و سعادت به بار می آورد

پروفیسور برهان الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح طی سفر دو روزه ای که به ولایت ننگرهار داشت از مخالفان مسلح دولت تقاضا کرد تا دست از خشونت برداشته و با دولت جمهوری اسلامی افغانستان در امر تأمین صلح و ثبات یکجا شوند.

استاد در سخنرانی ای که در جمع مردم آن ولایت داشت، گفت: جنگ برای هیچ جناحی دست آورد خوب ندارد، بلکه این صلح است که برای همه خوشبختی و سعادت به ارمغان می آورد.

در این سفر رئیس شورای عالی صلح ضمن دیدار با بزرگان قومی، مقامات دولتی و علمای ولایات ننگرهار، کنر، لغمان و نورستان به تشریح چشم انداز صلح در کشور پرداخت و از همهٔ آنان خواست، برای ثبات کشور شان فکر کنند و برای آوردن صلح تلاش های جدی نمایند. وی یک بار دیگر از مخالفان مسلح نیز درخواست نمود، دست از مخالفت برداشته به پروسهٔ صلح بپیوندند و از ویرانی و تباهی کشور دست بکشند. مساعی شورای عالی صلح در حالی شدت گرفته است که یک مقام سازمان ملل متحد ستیفن دی میستورا می گوید: یگانه راه حل برای خاتمه بخشیدن به خشونت های افغانستان یک توافق سیاسی است. و باید تلاش های حکومت افغانستان از جانب سازمان ملل متحد حمایت شود.

طی یک ماه گذشته رئیس شورای عالی صلح به ولایت های قندهار و هرات سفر نمود و این بار به ننگرهار رفت تا راهکار های گفتمان صلح را با بزرگان قومی وکسانی که انتظار می رود در برقراری صلح نقش ایفامی کنند، شریک سازد.

پیشینهٔ تاریخی زبان و ادبیات عربی و دری قبل از اسلام ۳

تکساری

ورود واژه های تمدنی فارسی دری بر عربی قبل از اسلام

پیوند تاریخی خراسان – پارس و اعراب از دورهٔ جاهلی عرب آغاز می یابد، وجود امپراطوری بزرگ پارس موجبات تاثیر پذیری زبانی، ادبی و فرهنگی را میان اعراب و پارس فراهم نموده است؛ طوری که اعراب از این تمدن و استفاده از آن بی نصیب نبوده اند و آنچه در زندگی مدنی اعراب، بدان نیاز داشتند، از آن استفاده نمودند. وقتی به واژه های فارسی معرب در دوره جاهلی و صدر اسلام دقت صورت گیرد دیده می شود که اعراب از اهل فارس و خراسان نام های خوراک ها، گله، نباتات، لباس، جواهر، عطریات، وسایل ساختمانی، رنگ ها، ظروف و وسایل خانه، آلات موسیقی، نام های طبی، ادویه، نام های اسلحه، اشیاء و لوازم نویسندگی، نام های مناصب و اداره را از این سرزمین به عاریت گرفته اند. وقتی به واژه هایی که ثعالبی آن ها را مخصوص فرس می خواند و عرب آن ها را معرب نموده و یا شیوهٔ تلفظ آن را تغییر داده اند، دقت گردد، به خوبی فهمیده می شود که این واژه های نمایندگی از یک زندگی مدنی می نماید. به عقیدهٔ ابوحاتم رازی روبه بن العجاج و فصاء عرب، مثل: اعشی و دیگران کلمات فارسی را در شعر خویش به کار برده اند تا در کلام شام زیبایی و ظرافت لفظی به وجود آید. سیوطی در المزهر خویش فصلی را به عنوان کلمات معرب فارسی که در زبان عربی راه باز کرده است، اختصاص می دهد و تعدادی از این واژه ها را بر می شمرد که می توان از ابریق، یاسمین و غیره نام برد. بررسی واژه های فارسی دری که از دوران جاهلیت به زبان عربی راه یافته است، این واقعیت را به خوبی نشان می دهد که اعراب از طریق به کار گرفتن کلمات فارسی دری، نه تنها زبان خود را غناء بخشیده اند؛ بلکه وسعت اطلاعات خویش و انعطاف پذیری زبان عربی در راه بهره گیری از آن را آشکار ساختند.

طوریکه گفته آمدیم واژه های فارسی دری را که عرب های اقتباس کرده اند، در بر گیرنده امور اداری، مدنی، لشکری، سیاسی، لباس و خوراک و نظایر آن می باشد، از قبیل: الدرفس (درفش)، دیباج، استبرق، جلاب (گلاب)، ابریق (آبریز)، فیروزج (فیروزه)، پالوزج (فالوده) و امثال اینها.

بعضی از نویسندگان عرب از قبیل خفاجی مولف شفاء الغلیل، جوالیقی مؤلف المعرب، ادی شیر در کتاب خود تحت عنوان الالفاظ الفارسیه المعرب برخی از واژه هایی را نام برده اند که از دوره های جاهلی وارد زبان عربی گردیده است که به برخی از این واژه ها اشاره می شود:

الابریق – معرب آبریز؛ چیزی که آب را با آن می ریزند.

الابهه – عظمت و بزرگی؛ معرب کلمه آب بها به معنی زیبا و شکوه.

الاستاذ – معلم و رئیس صنعت گر و حرفه؛ فارسی آن استاد است.

البخت – به معنی شانس؛ عرب ها در این کلمه تغییر وارد کرده و به شکل بختیت و مبخوت مشتق نموده اند.

البستان – از بوستان فارسی گرفته شده است.

بلهنه – فراخی و آسایش در زندگی که معرب کلمه بالانا است که معنی بلند و مرتفع را می رساند.

البهرج – از کلمه فارسی بهره آمده است و های اخیر کلمه به رسم عرب ها به جیم تبدیل شده است.

جاموس – معرب کلمه گاومیش است.

مرج – معرب مرغ؛ جز اول کلمه مرغزار (مرغ+زار) که جمع آن در عربی مروج شده است و مسعودی مورخ بزرگ عرب کتاب معروف خود را به همین نام (مروج الذهب) نام کرده است.

سراج – معرب چراغ

لجام – معرب لگام؛ کلمه لجام در اشعار شاعران قدیم و حدیث رسول اکرم نیز آمده است.

عن ابی هریره قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: من سال عن علم علمه ثم کتمه الجم بلجام من نار. از کسی که چیزی را می داند و حقیقت را پنهان نگهمیدار، در روز قیامت لجام آتش به دهن او زده می شود. در این حدیث شریف از کلمه لجام که اسم است فعل الجم ساخته شده است و از این کلمه امروز نیز فعل ساخته می شود: الجمت الفرس (به اسپ لجام زدند).

باذق – معرب باده و شراب

جوهر – معرب گوهر

کسری – معرب خسرو (جمع آن در عربی اکاسیره شده است).

استوانه – معرب ستون

قفتان – معرب خفتان.

سمان جو – معرب آسمان گون.

خندق – معرب کنده (صفت مفعولی از فعل کندن).

درقاعه -- معرب درگاه (در به معنی دروازه و گاه پسوند زمان و مکان).

جمان – معرب کمان.

صرنایه – معرب صرنای (سور به معنی سرور یا سر به معنی آهنگ + نای به معنی نی. نای یی که در مجالس سرور می نواختند و اکنون در افغانستان معمول و مروج است "سرنی").

جوزر – معرب گوساله.

زردق – معرب رسته.

زنجبیل – معرب زنجفیل.

الخفاش – معرب خوشاب (خوش آب)؛ گوارا و لذیذ.

الزخرف – بر گرفته شده از زیور و زینت و از این کلمه فعل و مصدر نیز به وجود آمده است، مانند: زخرف و زخرفه.

البردج – همان برده فارسی دری است.

طوری که می بینیم حیره نزدیک پایتخت پارس قرار گرفته بود و در معرض تاثیر مستقیم با مداین قرار داشت. شاعران و خطبای عرب میان شهر های مختلف پارس و حیره آمد و شد داشتند. حیره در این وقت مسیر اصلی انتقال فرهنگ فارسی به شمال گردیده بود. عرب هایی که به حیره می آمدند و در آنجا مقیم می شدند به تدریج، شیوهٔ زندگی بدوی را رها و وارد راه و رسم زندگی مردم آنجا می گردیدند. شاعران مسیحی مانند عبادی بن ادی بن زید در حیره می زیست. او در زبان فارسی مهارت یافته بود، حتی چوگان بازی دربار فارس را نیز فرا گرفته بود. وی نظر به استعدادی که داشت به سمت منشی در دربار کسری به کار مشغول شد. کسری بعداً آن را به سفارت بیزانطوم گسیل داشت.

لقیط بن یعمر الایادی و ادی بن زید العیادی در دربار کسری به فارسی تکلم می نمودند و آن را به عربی ترجمه می کردند. در شعر عدی بن زید تعداد زیادی از واژه های فارسی دیده می شود. به قول جاحظ، بعضی از واژه های فارسی از قدیم در میان اعراب رایج گردیده است. مردم بصره عوض کلمه البطیخ واژه الخربز و عوض واژه المسحاه واژه بال فارسی دری را در محاوره روزانه خود به کار می بردند. به همین گونه مردم بصره چهار راه را مربع و اهل کوفه آن را الچهارسو و مردم کوفه از دیر زمان واژه سوق و سویقه را بازار و وازار و واژه های روزق معرب (روده) و واژه شطرنج را به شکل الاشترنج به کار می بردند.

ورود واژه های فارسی در زبان عربی قبل از اسلام توسط کسانی صورت گرفته است که با عرب ها در ارتباط دایمی بوده اند. این ارتباط و پیوند را قبل از همه مردمان مناظره و لخمینی ها که آخرین فرد آن ها نعمان ابن منذر تامین می نموده است.

لخمینی ها در سرزمین های حیره که یک فرسخ از کوفه فاصله داشت حکومت می نمودند و در ابیات شاعران این دوره واژه های فارسی دری فراوان دیده می شود، از جمله اعشی و میمون بن قیس واژه های گلستان، بنفشه، سوسنبر، مرزنگوش، شاه اسپرم، یاسمین، نرگس، آس و خیری را در اشعار خود به کار برده است. از کاربرد این واژه ها در شعر اعشی فهمیده می شود که او مجذوب زندگی خراسانی ها بوده است. علت فراوانی کلمات فارسی در اشعار او را می توان در اقامت این شاعر در دربار سلاطین فارس و آشنایی اش با زندگی فارسی ها و خراسانی ها ذکر کرد.

عرب ها واژه یی لاعب الصنج را همواره به کار برده اند که صنج معرب چنگ فارسی است و اعشی این واژه را نیز به کار برده است. منوچهری دامغانی در یکی از قصاید خود چنین می گوید:

ز زیر و بم اعشی قیش
زننده همی زد به مضراب ها
و کاس شربت علی لذه
و اخری تدویت منها بها

منوچهری در بیت اول به زیر و بم در شعر اعشی اشاره می کند و بیت مشهور آن را ذکر می کند. بین شهر حیره و فارس آمد و شد تجار خراسانی و پارس فراوان بوده است. این شعر نظر به موقعیت ویژه یی که داشت به صورت یک بازار بزرگ تجارتی در آمده بود که موجب تماس نزدیک اعراب و فارس گردیده بود. کاروان های ابوسفیان که متاع تجار مکه را به پارس حمل می نمود، می بایست از حیره بگذرد. برخی از همراهان این کاروان ها داستان های شاهان پارس باستان و پهلوانان حماسه های ملی را آموخته بودند. بی مورد نیست که در شهر حیره اساطیر و داستان های خراسانی نفوذ زیاد نسبت به دیگر شهر های عربی نشین داشته است. طوری که ابن هشام در کتاب خود موسوم به سیرهٔ النبی نضر بن حارث از جمله شیاطین و سرکشان قریش بود و همواره با رسول اکرم دشمنی و عداوت می ورزید.

نضر ابن حارث این نقال قریشی در این آمد و شد ها بین حیره و فارس، سخنان، وجیزه ها و لطایف ملوک فرس، خراسان و سخنان رستم و اسفندیار را فراگرفته بود، وقتی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مجلس می آراست و پیام وحی را به مردم ارشاد می نمود تا مردم را از سرکشی و طغیان در برابر امر خداوند بر حذر سازد، بن حارث نیز قریش را دور خود جمع می کرد که گویا نسبت به رسول خدا سخنان طرفه را می داند و در تائید اندیشه های سخیف خود سخنان ملوک عجم، رستم و اسفندیار را به مردم می خواند و می گفت: چگونه پیامبر اسلام نسبت به من در صحت و سقم سخن برتری دارد. این داستان روابط عمیق سرزمین های عرب و از داستان های آنها حکایه می نماید که عرب ها از آن متاثر بودند.

با فرا رسیدن ۶ جدی ۱۳۵۸ (سی و یکمین) سالگرد تجاوز بیشرمانه ارتش سرخ در کشور، به یاد روز گاری می افتیم که یکسو جهاد مقدس به وسیله پاکباز ترین سپاهیان اسلام بود و جانب مقابل دشمنانی بودند سفاک، آدم کش، تباهکن به حمایه ارتش تا دندان مسلح و ایادی کفر برای اشغال زاد گاه ما رواورده بودند. از آنجایی که جهاد ما بر حق بود به یاری خدا سر انجام همین مجاهدین از جان گذشته با تکیه بر نیروی ایمان وطن را از چنگ اهریمن رهانیدند و آزادی را به ما به ارمغان آوردند.

سرودهٔ زیبای شاد روان خلیلی را باهم زمزمه می کنیم تا باشد ما را نیز گوشه های خونین، ماتمبار وطن به یاد آید؛ وطنی که وضع دردبارش در آن روز گار هرشب او را به یاد می آمد و بی اختیار اشک از چشمانش سرازیر می شد. چنانچه می سرود:

استخوانم سوخت جانا آشیانم در گرفت

باز امشب دوستان کشور بیاد آمد مرا
سوختم آن خاک جان پرور بیاد آمد مرا
شام دیدم مرغکی بر گلبنی خفته بناز
آشیان مهربان مادر بیاد آمد مرا
در دل این آسمان نیلگون نقره کار
نیم شب آن ماه و آن اختر بیاد آمد مرا
شب دلم در آتش غم ها بحسرت می تپید
نالش اسپند بر مجمر بیاد آمد مرا
از چه خاموشی بنال ای مرغ شب یکدم بنال!
کز فغانت حالت دیگر بیاد آمد مرا
عشق گلزار وطن در سینهٔ پر داغ من
در دل امواج خون گوهر بیاد آمد مرا
بر سر قبر جوانان مشعلی دیدم ز دور
هر کجا از لالهٔ احمر بیاد آمد مرا
از کجا می آیی ای باران که از هر قطره ات
کابل و اشک زن و دختر بیاد آمد مرا
بر فراز ابر شاهینی بچرخ افتاده بود
بسته در زنجیر بال و پر بیاد آمد مرا
بر سر مژگان آن مادر چو دیدم لخت خون
بر رگ دل کاوش نشتر بیاد آمد مرا
در نگاهٔ کودک آواره خواندم نقش مرگ
نعره های توپ ویرانگر بیاد آمد مرا
سینهٔ گرم کبوتر دیدم و چنگال باز
دشمن آزاد در خون تو بیاد آمد مرا
سوخت سر تا پای من هر دم چو در کنج قفس
کشور آزاد در خون تو بیاد آمد مرا
جای آن میراث جاویدان اعصار ز قرون
آه اینک مشت خاکستر بیاد آمد مرا
بی وطن بی خان و مان محروم از دار و دیار
دهشت هنگامهٔ محشر بیاد آمد مرا
پا برهنه دست خالی دل پر از نیروی حق
ملت سر باز جنگاور بیاد آمد مرا
از زمین فریاد اطفال اسیر بیگناه
ز آسمان باریدن اخگر بیاد آمد مرا
پرچم حق و عدالت را چو دیدم واژگون
دولت وحشی غارتگر بیاد آمد مرا
قول یاری هر که زین غدار افسونگر شنید
قصهٔ سردار خوشباور بیاد آمد مرا
چون توانگر را بقصرش دوش دیدم مست خواب
حلت مجروح در سنگر بیاد آمد مرا
کرم شبتابی درخشید و پس از یک لمحه مرد
گردش گردون بازیگر بیاد آمد مرا
بر سر مرغ سلیمان نیمه شاخی بیش نیست
آنچه از سلطانی و افسر بیاد آمد مرا
گر نباشد شمع وحدت ره به منزل کی بریم
اختلاف قوم بر منبر بیاد آمد مرا

جمعیت اسلامی افغانستان
و مواضع صلح خواهانهٔ آن در تمام عرصه ها

محمد نسیم فقیری

در مورد اعلام مواضع و درک درست دیدگاه های تشکیلات سیاسی، همواره در جوامع مختلف، بحث هایی صورت می گیرد، در مورد درک موضع سیاسی جمعیت اسلامی در شرایط امروزی افغانستان و در فضای دموکراسی، نیز سوال هایی مطرح می شود که لازم است به این سوال ها به صورت واضح پاسخ داده شود:

جمعیت اسلامی، یک تشکیل سیاسی است و در هر زمان مطابق منافع مردم تصمیم می گیرد. جمعیت اسلامی هرگز اراده نداشته تا در موارد مختلف همواره بر یک موقف قطعی و انعطاف نا پذیر تکیه نماید و با ضدیت از آن دفاع نماید!

موضوع بسیار مهم در تحولات سیاسی کشور ها، تعاریف درست و دقیق از اصطلاحات است. همه می دانیم که سوال هایی مطرح می شود که آیا جمعیت شامل نظام سیاسی کشور است یا نه؟

آیا جمعیت در دولت سهم دارد؟ آیا جمعیت اپوزیسون است؟ و ...

تعاریف:

در نظام های سیاسی، دو نظام بسیار معروف یکی نظام ریاستی و دیگر نظام پارلمانی است. طبق قانون اساسی کشور، افغانستان دارای نظام ریاستی است و در همچو نظام ها به مشکل می توان از وجود ائتلاف ها و یا اپوزیسون ها بحث نمود. سوال وجود ائتلاف ها و اپوزیسون ها فقط در نظام های پارلمانی مطرح است. در نظام های پارلمانی، حزب اکثریت قدرت را به دست می گیرد و یا در اثر کم بودن تعداد نماینده ها، مجبور می شود تا به یک حزب و یا چند حزب ائتلاف نماید و در نتیجه حکومت را به دست گیرد. همچنین حزب و یا چند حزب مخالف حکومت یک اپوزیسون را تشکیل داده و در پارلمان موقف مخالف را می گیرند. پس اپوزیسیون در نظام های پارلمانی دارای جایگاه خاص و تعریف شده بوده، دارای حقوق قانونی نیز می باشد. اما در نظام های ریاستی، سوال موجودیت اپوزیسیون از منظر قانون، به اندازهٔ نظام های پارلمانی نیست واصلاً وجود آن در قانون اساسی پیش بینی نشده است!

به همین صورت، ائتلاف ها نیز دارای مشروعیت قانونی نیست و رئیس حکومت می تواند در نتیجهٔ بحث ها با روسای احزاب مختلف، اعضای همان احزاب را در حکومت بگیرد و یا نه! این موضوع نیز در قانون اساسی کشور های ریاستی، پیش بینی نشده است!

پس سوال وجود اپوزیسیون در نظام های ریاستی به صورت دقیق و تعریف شده و در مطابقت با قانون اساسی، وجود ندارد...

موقف جمعیت:

پس از انتقال قدرت در اول جدی سال ١٣٨٠ جمعیت اسلامی افغانستان، یک باب زرین و پر افتخاری را به تاریخ کشور اضافه کرد. در تاریخ افغانستان هرگز دیده نشده است که یک شخص زمامدار کشور باشد و یک فرد دیگر که قبلاً زمامدار بود، نیز در کنار زمامدار فعلی به حیات عادی خویش ادامه دهد!

جناب استاد ربانی حاضر شد تا قدرت را به دست خویش و با حضور خویش در مراسم انتقال قدرت، مطابق فیصلهٔ جلسات بن انتقال دهد و این افتخار بزرگ را در تاریخ کشور به دست آورد! استاد ربانی و هزاران مجاهد و فرماندهان شان می توانستند، در برابر انتقال قدرت و پروژهٔ آن مقابله نمایند و در سطح ملی و بین المللی از حمایت گسترده نیز برخوردار بودند، ولی استاد و جمعیت با این طرح توافق نمود و قدرت سیاسی انتقال گردید.

جامعه جهانی:

بعضی ها به دروغ تبلیغ می نمودند که استاد در اثر فشار و زور خارجی ها از قدرت کنار رفته و حاضر به انتقال قدرت گردیده است! همه می دانیم که سیاست انعطاف و تحمل دیگران، بیش از هر شخصیت دیگر سیاسی، در شخص استاد ربانی واضح و دارای سابقهٔ طولانی است. استاد در همه تحولات سیاسی جهاد و در اتحاد و ائتلاف، همواره در انعطاف و گذشت کار گرفته و از واقعیت های موجود نظامی و سیاسی در کشور، بهره نبرده است.

استاد در زمان ریاست جمهوری، اعلام داشت که حاضر است، به قندهار برود و با ملامحمد عمر در مورد مسائل کشور بحث نماید. رئیس جمهور تا پلچرخی به استقبال شورای ننگرهار رفت و حاضر شد به تنهایی و به ولسوالی بگرامی نزد آقای حکمتیار برود و در مورد قطع جنگ و استقرار صلح مذاکره نماید. استاد ربانی حاضر شد تا طرح صلح با آقای حکمتیار را بپذیرد و او را به حیث صدراعظم در دولت اسلامی توظیف نماید.

این تصامیم و فیصله های استاد در واقع از حمایت اکثریت مردم، بر خوردار بود، اما یک اقلیت مهم در دولت و جمعیت با آن مخالف نیز بودند و به نظر اکثریت و نظر استاد احترام گذاشتند.

سیاست بحث و مذاکره در جمعیت:

در اکثر مسائل، رهبر جمعیت با همه اعضا و افراد با نفوذ مشوره کرده و جلساتی را دایر کرده است. زمانی که ضرورت احساس گردید تا جبههٔ ملی ایجاد گردد و با بعضی از افراد و گروه های کوچک و یا بزرگ مذاکره صورت گرفت، بحث های داغی در جمعیت صورت گرفت و تعدادی از بزرگان و فرماندهان سابق جهادی با این تصمیم رهبری مخالفت داشتند، بالاخره جلسهٔ بزرگ دایر شد و رهبری جمعیت، دلایل کافی ایجاد جبهه را شرح دادند و اکثریت اعضا با آن توافق نمودند.

تشکیل شورای صلح:

با تدویر جرگهٔ مشورتی صلح، بازهم تعدادی از اعضای جمعت بنای مخالفت را گذاشتند و در جلسات متعدد که دایر شد، رهبری جمعیت دلایل کافی را برای تشکیل چنین جرگه و بالاخره شورای عالی صلح را بر شمرد و در نتیجه طرف تأیید اکثر اعضای قرار گرفت و جمعیت اسلامی در آن شورای شرکت کرد و ما دلایل کافی آن را در همین هفته نامه در همان زمان نوشتیم.

تأیید یا رد حکومت:

جمعیت اسلامی افغانستان هرگز نگفته است که حکومت را کاملاً تأیید می کند و یا کاملاً رد می کند؟ موقف جمعیت این بوده که از اقدامات سالم درست حکومت جانبداری و حمایت می کند و از اقدامات غلط و فساد در حکومت همواره انتقاد کرده و خواهد کرد. جمعیت اسلامی دارای حرکت اصلاح و باز دارنده است و هرگز حق را باطل وباطل را حق نخواهد گفت!

وجود اعضای جمعیت در حکومت:

برای همه روشن است جمعیت در سطوح ملکی و نظامی در حکومت سهم دارد. جمعیت اسلامی از همان آغاز در مطابقت با قانون اساسی کشور، تمام روش ها و سیاست های خود را طبق احکام یاد شده عیار ساخته و همواره قوانین کشور را احترام گذاشته است. درست است که تعدادی از بزرگان جمعیت در ترکیب قوای مسلح نظام، قضا و سارنوالی دارای نقش و مقام هایی هستند، ولی جمعیت اسلامی هرگز این افراد را در جلسات خویش فرا نخوانده و هرگز با آنان رابطه حزبی بر قرار نکرده است!

مجاهدین افغانستان افراد این کشور هستند و در نظام کشور باید دارای نقش و ارزش مهم باشند. استعداد، توان و شایستگی مجاهدین و افراد جمعیت به هیچ صورتی مانع از کار آنان در دستگاه های دولتی نمی گردد. ما از همان آغاز تا امروز هرگز نخواسته ایم و در تشکیلات حزبی به افراد سابقه دار خویش که اکنون در اردو، پولیس و امنیت ماموریت دارند، رابطهٔ حزبی برقرار نکرده و از آنان نخواسته ایم تا در جلسات حزبی ما شرکت نمایند!

هرگاه افراد جمعیت در تشکیلات حکومتی سهم گرفته اند، هر چند با اجازه و یا بدون اجازهٔ رهبری، هرگز با این امر مخالفتی صورت نگرفته است.

جمعیت اسلامی افغانستان هرگز اعلام نداشته که فلان شخص از عضویت جمعیت خارج شده و با ما ارتباط ندارد. امروز هم اکثر افراد برجسته، دور رهبری جمعیت جمع شده اند و انشاءالله در آیندهٔ نزدیک شاهد برگزاری کنگره خواهیم بود.

تنش های انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان
بی تفاوتی
در برابر قانون و مردم

مصباح شعیب

در کشوری چون افغانستان که در حالت جنگ به سر می برد پدیدهٔ های نو مانند انتخابات خالی از چالش و تنش بوده نمی تواند. طوری که مردم ما شاهد انتخابات های ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی و اخیراً برگزاری انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان بودند، گرچه در این انتخابات نیز از تقلب و تخطی و زور و زر کسی چشم پوشی کرده نمی تواند، که سابقه طولانی دارد، اما در پی تنش های انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان، طوری که شنیده می شود برخی نهادها در این کشور صادقانه و قانونمندانه نه، بلکه عقده مندانه از تریبون های حمایت کنندهٔ قانون برخورد می نمایند.

رئیس حکومت منحیث شخص اول کشور که وظیفه اصلی اش حمایت و اعمال قانون است، در یک نوع بی تفاوتی در رابطه به نتایج اعلام شدهٔ انتخابات برخورد نمود.گمانه زنی ها بر این است که آقای کرزی از نتایج انتخابات دلخوشی ندارد، زیرا آنانی که مورد حمایت وی بود از طریق این پروسه به خانه ملت راه نیافته اند.

همچنان در افتتاح پارلمان که باید به تاریخ ٢٨ قوس دایر می شد، تعلل صورت گرفته است که آگاهان امور، تعلیق این موضوع را به بعدها، ناشی از نارضایتی شخص اول مملکت می دانند.

آقای کرزی در این اواخر در دیدار با کاندیداهای پیروز مجلس نمایندگان، افتتاح پارلمان را در اوایل دلو وعده داده بود که سخنگوی ریاست جمهوری سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته تاریخ برگزاری افتتاح پارلمان را ٣٠ جدی اعلام نمود. در حالی که قبل از آن، اقای کرزی در سخنرانی هایش گفته بود که منتظر قوهٔ قضائیه است، تا در این مورد تصمیم نهایی اش را ابلاغ نماید. حال معلوم نیست کدام فشار رئیس جمهور را واداشته است که بدون اعلام از سوی ستره محکمه، تاریخ افتتاح مجلس نمایندگان را تعیین نموده است؟

در حالی که همه به سوی تصمیم دادگاه عالی یا ستره محکمه چشم دوخته اند، در جلسهٔ روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته مقام قضایی کشور ، در مورد قرار لوی سارنوالی و عرایض کاندیدا های معترض، تشکیل کمیسیون خاص یک مرحله یی را در مورد رسیدگی به اعتراضات انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان، تصویب و به ریاست جمهوری پیشنهاد کرده است.

لوی سارنوالی، علی الرغم آزادی بیان و فضای دموکراتیک نیمه بند در کشور، به رسانه ها و تحلیلگران طی اعلامیهٔ رسمی هشدارداده است که در بارهٔ انتخابات صحبت نکنند.

هشدار لوی سارنوالی به رسانه ها یاد آور خاطرات تلخ دوره های استبدادی است که آزادی بیان را حلق آویر نموده و در سایهٔ فشار و زور به حکمیت می نشستند.

همچنان لوی سارنوال، چندی قبل، به صورت قهرآمیز در نشست کمیسیون سمع و شکایات مجلس نمایندگان اعلام کرده بود که سرنوشت انتخابات در دُبی و سرای شهزاده تعیین شده است.

رئیس کمیسیون سمع و شکایات مجلس نمایندگان نیز در دیدار کاندیدای های معترض عصبانی شده و بالای ناموس اش به طلاق سوگند یاد کرده بود که حق ایشان را می ستاند.

کسی که در رأس ادارهٔ توظیف می شود، باید اجراآت قانونی و منصفانه نماید. احساساتی و عکس العملی صحبت کردن، نقش اداره را تضعیف و مردم را نسبت به نظام بی باور می سازد.

از جانب دیگر، برخی اعضای سابق مجلس نمایندگان و عده ای از ایشان که رأی نگرفته اند و معترض هستند، پنج سال در مرجع تقنینیهٔ کشور که مجلس نمایندگان است، انجام وظیفه نموده اند، مطابق قانون دورهٔ خدمت شان به پایان رسیده است.

این بزرگواران برای ماندن و استفاده از امکانات خانهٔ ملت باید راه های قانونی را جستجو می نمودند. وکلای محترم باید به یاد آورند که همین ها چندین بار بالای رئیس حکومت فشار وارد می کردند که دوره هایی را خلاف قانون به خاطر حاکمیت اش تمدید نموده است. برخی این قانونگذاران در حالی که دارالانشای مجلس نمایندگان وقت شان را پایان یافته اعلام نموده است، هنوز هم از تعمیر مجلس و چوکی های آن استفاده نموده و داد می زنند که تا افتتاح مجلس بعدی از خلای قانونی جلوگیری می نمایند. در حالی که هدف شان از خانهٔ ملت کار نه، بلکه جهت تجمع و موضعگیری های شخصی شان استفاده می کردند.

ما از همه نهادهای عدلی و قضایی خواهان آنیم،آنانی که سبب بدنامی انتخابات شده و خیانت روا داشته اند نه تنها در کشور، بلکه در منطقه و جهان انتخابات را بدنام نموده و به مردم غیور افغانستان در این راستا صدمه وارد کرده اند باید مطابق قانون و مقررات به سزای اعمال شان برسند. همچنان کسانی که به ناحق و بدون آنکه رأی گرفته باشند و آسیبی به آرای شان رسیده باشد، عقده مندانه در صف معترضان می ایستند و فریاد سر می دهند، که این عمل مخالف منافع ملی و امنیت کشور تلقی می شود، آنان نیز شناسایی و مجازات گردند.

بر دولت افغانستان است که، باید پروندهٔ این موضوع را مطابق قانون بدون تأخیر بسته و ادامهٔ چنین میدان دادن ها را که در نهایت، آب ریختن به آسیاب دشمن خواهد بود، ختم شده اعلام نماید.



نگاهی به افزایش خشونت ها در آستانهٔ تلاش های صلح

نذرالله عنایت

افغانستان یک بار دیگر شاهد مرگبارترین خشونت ها در روز های اخیر بود. از زمان شروع سال ۲۰۱۰میلادی که در روز های اخیر آن قرار داریم هفته ای که گذشت حجم خشونت ها در آن بیشتر گزارش شده است.

این خشونت ها شامل حملات انتحاری و بمب گذاری های کناره جاده ای بوده است که ده ها انسان بی گناه را به،کام مرگ کشاند و خانواده های زیادی را به سوگ نشانده است.

به گزارشی وزرات داخله طی هفتهٔ گذشته ۵۲ تن از افراد ملکی جان های خود را از دست دادند، در عین حال سخنگوی وزرات داخله از دستگیر ی ۱۲۶ تن مظنون خبرداد.

در همین حال وزارت دفاع اعلام نمود که طی یک ماه اخیر ۶۰ تن از افراد مربوط به ارتش ملی جان های خود را از دست داده اند، این درحالیست که در یک ماه پیش تعداد تلفات ارتش در حد ۴۰ تن می رسید.

از تلفات منسوبان دیگر نهاد های امنیتی گزار ش هایی نیز رسیده است. سخنگویان ارگان های امنیتی نیز از تلفات سنگین دشمن خبر دادند و تصریح نمودند که طی روز های اخیر با راه اندازی عملیات های تصفیه ضربات بیشتر به نیروهای شورشی وارد نموده اند و سه برابر کشته شدگان مربوط به مخالفان دولت بوده است.

سعید انصاری سخنگوی امنیت ملی از کشته شدن ده ها نفر طالب و دستگیری چندین باند تخریب کار که قصد حمله را به مقر ریاست جمهوری و سفارت امریکا در کابل داشتند خبرداد. انصاری مدعی شد یکی از نامزدان شکست خوردهٔ انتخابات مجلس نمایندگان از ولایت پکتیا نیز در میان کسانی است که به اتهام ارتباط با حملات تروریستی بازداشت شده است.

مقام های سازمان ملل در کابل نیز از افزایش خشونت ها و تلفات ملکی در افغانستان ابراز نگرانی نموده اند. آنها می گویند: طی ده ماه گذشته بیش از ۲۴۰۰ فرد ملکی کشته و بیش از ۳۸۰۰ دیگر زخمی شده اند.

بر اساس این گزارش، بیش از سه حصهٔ این تلفات به حملات مخالفین دولت مرتبط است که افزایش ۲۵ درصدی را در تلفات غیر نظامیان در حملات مخالفین دولت نشان می دهد.

به گفتهٔ سخنگوی ریاست امنیت ملی، عدهٔ دیگری از بازداشت شدگان در نظر داشتند با راه اندازی انفجار سنگین در شهر چاریکار در شمال کابل، مناطق امن افغانستان را نیز نا آرام کنند. وی همچنین گفت که همکاری مردم در بازداشت این گروه ها موثر بوده است.

هفتهٔ گذشته، شهرهای کابل، قندوز در شمال افغانستان و قندهار در جنوب این کشور شاهد چند مورد بمبگذاری و حملات انتحاری بود.

متحدان بین المللی افغانستان از جمله امریکا و کشورهای عضو ناتو به شدت تلاش می کنند توان نیروهای امنیتی افغانستان را بالا ببرند. هدف از این اقدامات این است که نیروهای امنیتی افغانستان حداکثر تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی مسؤلیت های کامل امنیتی را در سراسر کشور به عهده بگیرند.

آگا هان امور علت افزایش خشونت ها را در روز های اخیر بستگی به چند عامل می دانند.

قطب الدین هلال کارشناس مسایل نظامی می گوید: تأکید مقام های امریکایی مبنی بر خروج نیروها از افغانستان در سال ۲۰۱۴ مخالفان مسلحهٔ دولت را به پیروزی نسبت به هر زمان دیگر امیدوار ساخته است.

آنها جنگ را تعیین کننده می دانند و معتقد اند که می شود از راه ایجاد توازن قوا به پیروزی رسید.

به گفتهٔ وی دامنه افزایش خشونت ها بستگی به برنامه هایی دارد که مخالفان در صدر اهداف استراتیژیک خود دارند.

هلال می گوید: سال های پیش رو برای طرف های درگیر تعیین کننده است وی تصریح کرد: گذشت زمان ثابت می کند که کدام طرف در نبرد که روزانه ده ها قربانی می گیرد به پیروزی خواهند رسید؟

نورالحق علومی نماینده مردم قندهار (در دور اول) می گوید: افزایش خشونت ها در هفته های اخیر، بستگی به از دیاد عملیات هایی دارد که دولت به منظور تصفیه کاری شورشیان در برخی از مناطق به خصوص شمال کشور راه اندازی نموده است. وی می گوید: هر دو طرف، می خواهند از طریق راهکار جنگ قدرت نمایی نمایند که منجر به تلفات بیشتر شده است.

وی گفت: نیروهای ناتو نیز در سال جاری بیش از ۶۰۰ کشته داده اند که ۵۰۰ تن آنها امریکایی ها می باشند.

علومی با یاد آوری کشته شدن ۶ نفر عسکر خارجی طی هفتهٔ گذشته تصریح کرد که ۳ تن آنها شهروند فرانسه بوده اند.

افزایش در گیری ها در حالی با گذشت هر روز بیشتر می شود که دولت افغانستان شورای عالی صلح را به منظور گفتگو با طالبان ایجاد نموده است. رئیس شورای عالی صلح سفر های کاری خود را به ولایت هایی که بیشتر دچار بحران امنیت می باشند، آغاز نموده و از پیشرفت مذاکره با مخالفان مسلحه دولت نیز خبر داده است.

هر چند تا هنوز معلوم نیست که گفتمان های صلح به منظور پایان دادن خشونت ها در کوتاه مدت نتیجه خواهد داد؟ اما به نظر می رسد که دولت افغانستان و مقام های جامعهٔ جهانی تلاش دارند تا از طریق مذاکره به در گیری های خشونت بار افغانستان که ریشه های طولانی دارد خاتمه بخشند.

آیا ناتو به خیل یوځونه...

ترسره شوو حملو درانه امنیتي او ملکي تلفات لرل او د کندز او کابل سربیره د هیواد د نورو ګڼو سرحدي ولایتونو لکه خوست، پکتیکا، پکتیا، ننګرهار، کونړ، زابل، هلمند او قندهار سربیره په ځینو نورو مرکزي ولایتونو کې هم ورته بریدونه د دولت د مخالفینو لخوا ترسره شوي دي چې د ملي دفاع د وزارت د ویاند جنرال عظیمی د وینا له مخې یوازې په تیره میاشت کې د امنیتي ارګانونو د تلفاتو شمیره پنځه شپیتو تنو ته رسیدلې ده: پداسې حال کې چې په تیره میاشت کې دغه شمیره درې ځلویښت تنه وه.

د پولې دواړو خواوؤ ته د اورپکو لخوا د بریدونو کچه پداسې حالاتو کې لوړیږي چې تیره میاشت د لزبن په کنفراس کې د ناټو غړو هیوادونو دا ژمنه کړې وه چې تر دوه زره څوارلسم کال پورې به د افغانستان د امنیتي ارګانونو کچه او کیفیت لوړ کړي او پدې سره به وتوانیږي چې خپل امنیت پخپله ونیسي

پداسې حال کې چې اوس هم د ملي اردو شمیر یولک او پنځوس زرو تنو ته رسیدلی دی خو د تجهیز او امکاناتو له مخې دغه ځواکونه له سپکو وسلو پرته درنې وسلې لکه ډیر شمیر راکټ لانچرونه، توپونه، ټانکونه،جټ طیارې، هیلوکپترونه او لیرې واټن ویشتونکې توغندي نلري هغه څه چې د یوې اردو ارتیاوې بلل کیږي، او د پولې هاغاړې پاکستان بیا د اتومي ځواك لرونکی هیواد د حیثیت لرلو تر څنګه پدې وروستیو کې د بلاسټك توغندیو د کامیابې تجربې شاهد هم وګرځیده او اوس ټوله نړۍ واله ټولنه پدې پوهیږي چې د افغانستان دننه د اورپکو عملیاتو او بریدونو پلانونه د پاکستان له دننه څخه پلانیږي او پاکستان بیا دا ادعاء لري چې په هیواد کې موجود اورپکي یې د افغانستان له پولو څخه ور اوړي او دواړه هیوادونه خانونه له دغو عملیاتو څخه متضرر ګڼي نو اوس پوښتنه داده چې آخر څوك دي چې د دواړو ګاونډیو هیوادونو امنیت ته یې ګواښ پېښ کړي او دغه اورپکي له کوم خوا څخه دومره اکمالیږي چې د سیمې دواړه لوړې هیوادونه یې کنټرولولی نشي دا هغه پوښتنې دي چې د افغانستان دولت یې دې ته اړ کړي چې ووایې: د ترهګرو عملیاتو ځالې د پولې اخوا د پاکستان په خاوره کې دي او د پاکستان دولت بیا عکس ادعاء ولري.

او چې کله تیره اونۍ د امریکا د نیویارك ټایمز ورځپاڼې ویب پاڼې د امریکا د ولسمشر د معاون جوبایډن له خولې دا راپور خپور کړ چې د امریکا پوځونه نور د ترهګرو د عملیاتو د مخنیوی او د هغوی د ځالو د ورانولو لپاره اړ ده چې د پاکستان دننه په قبایلي سیمو کې هم عملیات وکړي او یوازې ډروون (بې پیلوټه الوتکې) نشي کولې چې د ترهګرو مرکزونه وران کړي نو سملاسي په امریکا کې د پاکستان سفیر حسین حقاني وویل چې پاکستان په خپله خاوره کې دننه د ترهګرو عملیاتو د مخنیوی توان لري او هیچاته به اجازه ورنکړې چې د پاکستان په خاوره او یا قبایلي سیمو کې دننه عملیات وکړي.

دا پداسې حال کې ده چې د افغانستان دننه په جنوبي او ختیځو ولایتونو کې ګڼ شمیر بې ګناه افغانان د ناټو د ړندو عملیاتو څخه په تنګ راغلي او دغه ځواکونه پدې تورنوي چې بې ګناه وګړي وژني چې لاملـه یې د افغانستان ولسمشر هم وخت پر وخت له ناټو او امریکایي ځواکونو څخه غوښتي چې خپل عملیات د افغانستان د امنیتي ارګانو سره همغږي کړي او پدې لړ کې هغه وروستۍ شفاهي پریکړې ته افغانان د یو امید په سترګه ګوري چې باید د ناټو ځواکونو د عملیاتو پر مهال د افغانستان عدلیه مقامات او څارنوالي په جریان کې وساتي او بیا د یو چا پر خلاف عملیات وکړي خو اوس چې نړیوالـه ټولنه پدې پوهه شوې ده چې د افغانستان دننه عملیاتو تدبیرونه د پولې اخوا قبایلي سیمو کې نیول کیږي نو وبه کتلی شي چې آیا امریکا به ریښتیا هم دغه پریکړه عملي کړي چې د پاکستان دننه سیمو کې هم حملی پیل کړي پداسې حال کې چې د ناټو د پوځونو یو ویاند دغه ګنګوسې یا پریکړه درواغ بللی او څنګه به وکولی شي چې د سیمې دواړو خواوته له یوې ورځې څخه بلې ته د بریدونو او عملیاتو د ډیروالي او په نتیجه کې یې د تلفاتو مخه ونیسي او یا یې کچه راټیټه کړي دا ټول هغه څه دي چې امریکا یې په خپل بهرني سیاست کې له دوه مخې سره مخ کړیده.

د مرغومي شپږمه

ديوې داسې غميزې پيل چې لاتر اوسه دوام لري

شفيق



د نن څخه څه د پاسه درې لسيزې وړاندې د اوه پنځوسم لمريز کال د غويي د اومې نيټې د کودتاه په نتيجه کې د مرغومي د شپږمې نيټې تور ماښام د تاريخ هغه برخه ده چې د افغانانو قطبي دوستان (!) يې د هغوي په دښمنانو بدل کړل او د ځو تش په نامه افغان ګټو پروژو په جوړولو سره يې د افغانانو څخه د خپل هيواد د ځمکنۍ بشپړتيا او ملي حاکميت واك واخست او هيواد پلورونکي کارمل خپل آقايان په ټانکونو سپاره افغانستان ته پداسې حال کې را دننه کړل چې پاس په سر يې هم د روسيې برګيو چورلکو غومبر جوړ کړي وو. او افغانان يې د مرغومي د شپږمې نيټې د کرغيړن ماښام واړول.

دغه ورځ چې د کمونستي کودتا څه د پاسه يو کلنه واکمنې يې عامل وه او پدې موده کې د خلق او پرچم ګوندونو خپلمنځيو اختلافونو دوې دې ته و هڅول چې لومړی وفادار شاګرد د خپل استاد په خوله بالښت کښېږدي او بيا ملګري (!) او رفيقان (!) يو بل ته د د ښمنۍ په سنګر ودروي، نه يوازې دا چې د واك مينانو ترمينځه يې د سيالۍ لوبه ګرمه وساتله او دې ته يې وهڅول چې يو لوری يې د خپلې سياسي مينې هغه پړاو ته ورسيږي چې د لينن په روح درود ووايي او د پرون ورځې خپل رفيقان (!) او ملګري (!) د ځان د دښمنانو په ګېلو سره په خپلو قطبي دوستانو (!) دل ول کړي؛ بلکې د افغانانو ټاټوبي يې په قطبي دوستانو داسې تاړاك کړ چې هر چا له خپل ټاټوبي څخه کډه واخسته او د يو مجهول راتلونکي پسې سرګردانه د ګاونډيو ترحم ته وسپارل شو.

افغان خوريدلی ولس چې نږدې يوه نيمه لسيزه يې د سره تاړاك مقابله د اسلامولۍ او افغانولۍ په مينه وکړه، له خپل برمه ډك جهاد څخه ستړی نشو او دا سنګر يې په خپلو وينو او يو نيم مليون ککريزه قربانۍ سره ګرم وساته او دښمن يې دې ته اړ کړ چې د ماتې زنځير يې په پښو کې راکښلی د امو په اوبو پداسې حال کې له افغانستانه څخه ووځي چې له يوې خوا خپلو د کرملين واکدارانو باندې يې لعنت وايه او له بلې خوا يې خپلو افغاني دوستانو ته د بې وسۍ پرته بله څه تحفه نه لرله او د حال په ژبه يې هماغه وينا زمزمه کوله چې د بدر په غزا کې د شيخ بخدي په شکل راغلي شيطان خپلو پيروانو ته ويلې زه چې څه وينم تاسو يې نه وينئ او زه در څخه لاړم.

خو افغان سربښندونکی ولس نه پوهيږو چې چا د نظره کړ او ګټلې سوبه يې د کورنيو جګړو په لوغړاندو لمبو داسې وسوځوله چې چا ګاونډيان خپلوان کړل او چا پخواني دښمنان هير کړل د پخواني شوروي پنځلسو رياستونو يو له بل پسې له پخواني شوروي اتحاد څخه د خپل پيوستون د زنځير کړۍ يوه له بلې پسې راوشلولې او د پخوانی شوروی اتحاد د سره ښامار له ګيډې څخه خوړل شوي ولسونه يو د بل پسې آزاد شول او شوروي د پخواني تزاري روسې په پولو ودرديده او هم د برلين د ديوال په نړيدو سره د وارسا او ناټو په مينو مستو ختيځ او لويديځ جرمنيانو هم خپل د قوميت بت را ژوندی کړ نو امريکا د دې سړې جګړې د يوازينۍ ګټونکې په توګه خان ثابتولو لپاره يوه داسې لوبه له افغانانو سره وکړه چې افغانان يې د چريکار ترحم ته کښينول او د اوښ يې د خره پسې تړلو تحفه يې افغانانو ته ورکړه د پخواني شوروی اتحاد د برم اوبه کوونکو ويار ګټونکی ولس د افغانانو کريدت هغه چا واخست چې لااوس يې هم په مغزو کې د ويتنام د جګړې ترخه يادونه کله کله څريکې ووهي نو لامله يې د کسات توره د افغانستان په مظلوم ولس کې وکاروي او غزنوي، د احمدشاه او ميروس خان اولادونه ورته له يوې مخې دښمنان ښکاره شي.

هغوی چې خپل سرکونه او څلور لارې لااوس هم د سوريانو، ايداليانو او غزنويانو په نومونو نوموي او خوشحال خان په نامه کتابتونونه جوړوي خو د هغه دغه وينا يې هيره ده چې (لاتر اوسه يې ماغزه په قرار ندي ـ چې چې ما سړ وهلی سر په سنګ دی)

دوې هم له افغانانو سړ؛ هغه څه وکړل چې افغانان يې له ګاونډيتوب څخه بيزارد کړل او هندو ورته له خود غرضو دوستانو څخه ښه ښکاره شو. درې لسيزې وړاندې پيل شوي سړې جګړې مو پوره يو نسل له خپل هيواد څخه شلولی وساته او د قطبي دوستانو (!) او خود غرضو انصارو (!) طلسمونو داسې وځورول چې د پخوانۍ قبلې ازلي دښمنان او د برايډن هيوادول او خواخوږي ورته اوس د نجات پربنتې ښکاري او داسې انګيزې چې ګويا دوې به د امو دسيند له څپو څخه ساحل ته راوباسي او ټپونو به مو مرهم کښېږدي؛ دا ځکه چې مونږ افغانانو د مرغومي د تور ماښام بونګنوونکي شيبې کتلې دي او د روښانفکرۍ په نوم مو د انسانيت دښمنانو هغه کړنې کتلې دي چې د ځرخي پله په پوليګون او د هيواد په ډيرو دښتوکې يې زمونږ نابغه او اسلامپاله ځيرې پرته له محاکمې له خاورو لاندې کړې او يا يې د هغوې نوکونه په امبورونو ويستلي او ... دا چې اوس هم زمونږ په هيواد کې پردي ښاغلي دي او لاسپوځي درانه دي او له هغو څخه د افغانانو د نيکمرغۍ او سوکالۍ هيله لرو چې د افغاني پت او پښتني غيرت پر ځاې يوازې د افغانانو په لباس ويار کوي او يا د کلتور او فرهنګ تر نامه لاندې د بې دينۍ او بت پرستۍ تخم کري. او يا د پرديو په کوم سره د دسترخوان خاوندان دي چې د نړيوالې قاچاق برۍ په مټ له ځانه ملي شخصيتونه جوړوي او د افغانانو د سر سودا کوي او دا چې اوس هم مونږ پداسې خلکو غوليږو او په ملي پروسو کې پرې باور کوو دا د هغو نا کردو څخه عبرت نه اخستنه او د هغې پايلې دي چې د غويي د اومې او د مرغومي شپږمې نيټې مونږ ته د خپلو پايلو په توګه پرينښي دي.

توزیع شهادتنامه های دورهٔ ...

همین اکنون در دانشگاه کابل در پنج رشته از جمله: دری، پشتو، فقه، قانون و فزیک برنامهٔ ماستری وجود دارد و در دانشگاه تعلیم و تربیه به کمک برنامهٔ انکشافی ملل متحد در بخش اداره و منجمنت برنامهٔ ماستری روی دست گرفته شده است. قرار است در پنج سال آینده هر سال در یک رشته برنامهٔ ماستری در دانشگاه کابل برنامهٔ ماستری روی دست گرفته شود.

تاریخ برنامهٔ ماستری بر می گردد به سال ۱۳۵۶، که در این سال برای نخستین بار در دانشکدهٔ زبان و ادبیات در بخش فارسی دری و پشتو این برنامه ایجاد گردید و تداوم آن با وقفه ها ادامه داشته است. طی سال های ۱۳۶۰ هجری خورشیدی الی ۱۳۷۰ در بخش های فارسی دری، پشتو، انگلیسی، تاریخ و شرعیات برنامهٔ ماستری در دانشگاه کابل فعالیت داشته است.

موجودیت یک چنین برنامهٔ ماستری در دانشگاه کابل از ابتکارات این دولت نیست؛ بلکه تداوم این فعالیت ها از سر گرفته شده است. باید گفت که اساس تحصیلات عالی در سال ۱۳۱۱ هجری گذاشته شد، که برای نخستین بار دانشکدهٔ طب به کمک استادان ترکی به فعالیت آغاز کرد تا اینکه تا سال های ۱۳۲۵ هجری مجتمع بزرگ دانشگاهی در کشور به وجود آمد که در آن دانشکدهٔ اقتصاد، زبان و ادبیات، ساینس، حقوق و شرعیات به وقفه ها به فعالیت آغاز نموده است.

همین اکنون در افغانستان بیش از بیست دانشگاه دولتی و بالاتر از سی موسسهٔ تحصیلات عالی خصوصی وجود دارد که در این موسسات تحصیلات عالی در حدود یک صد هزار دانشجو مشغول تحصیلات عالی در رشته های مختلف می باشند که هشتاد درصد آن در دانشگاه های دولتی و بیست درصد آن در موسسات تحصیلات عالی خصوصی تحصیل می نمایند.

بعد از توشیح قانون اساسی کشور که در آن به موسسات تحصیلات عالی خصوصی اجازهٔ فعالیت داده است، ایجاد و فعالیت موسسات تحصیلات عالی خصوصی شتاب بیشتر یافته است. این همه موسسات تحصیلات عالی پیش از آنکه به هدف کسب معلومات اساسی مسلکی و فن آوری جدید ایجاد گردیده باشد به یک منبع پر درآمد برای دارندگان این موسسات تحصیلات عالی خصوصی تبدیل گردیده است. نه تنها در شرایط موجود افغانستان دانشگاه های دولتی دارای معضل فراوان، چون نبود کادر مجرب، جای مناسب، وسایل فن آوری جدید، کتاب خانه و غیره می باشد، این موسسات تحصیلات عالی دارای دشواری های زیاد می باشد، نبود کادرهای مجرب تحصیل کرده، نبود برنامه های واحد، نبود کنترول از شیوه تدریس، نبود نظارت دقیق از سوی وزارت تحصیلات عالی و ... اگر دانشگاه های دولتی از ورود استادان داخل تشکیل خویش به این موسسات تحصیلات عالی جلوگیری نمایند، بدون شک این موسسات تحصیلات عالی خصوصی توان ادامهٔ کار خود را نخواهد داشت.

باید گفت یک تعداد از دانشگاه های دولتی که طی سال های اخیر ایجاد گردیده است مبنای سیاسی داشته است. پیش از آنکه این دانشگاه ها روی ظرفیت ها، نیازمندی ها و ضرورت مبرم ایجاد گردیده باشد، به وسیلهٔ فرامین ریاست جمهوری به وجود آمده است، جای داشت که ایجاد یک چنین دانشگاه ها بعد از ارزیابی وزارت تحصیلات عالی ایجاد می گردید، در حالی که ریاست جمهوری ایجاد این دانشگاه را بدون کارشناسی علمی و اکادمیک برای این وزارت وظیفه می سپارد تا این فرامین عملی گردد، طی این سال های اخیر وزارت تحصیلات عالی فقط مجری فرامین ریاست جمهوری در مورد تأسیس دانشگاه ها بوده است؛ در حالی که وظیفهٔ این وزارت است، تا در خصوص ایجاد دانشگاه ها بعد از غور و بررسی و امکانات مادی و معنوی تصمیم بگیرد؛ زیرا ایجاد دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی، از خود شرایط و امکانات مادی و معنوی می خواهد در شرایط موجود که افغانستان در آستانهٔ بازسازی، ظرفیت سازی و نوسازی قرار دارد، افغانستان به جوانان تحصیل کرده و کادر های متخصص نیاز بیشتر دارد، اما باید گفت که این دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی نمی توانند، با چند افراد لیسانس و کم تجربه نیاز اساسی جامعه را مرفوع سازدند.

در حالی که انتقال ساینس و تکنالوژی از نیازهای اساسی جامعه افغانستان است نمی توان با چنین افراد زمینهٔ انتقال فن آوری جدید را برای مردم فراهم نمود؛ زیرا این کادرهای کم تجربه خود، نیاز شدید به معلومات مسلکی دارند، باید در گام نخست به تربیهٔ کادرهای جدید اقدام کرد و بعد از آن به ایجاد دانشگاه ها پرداخت. در یک سخن باید گفت که وضعیت موسسات تحصیلات عالی خصوصی بهتر از دانشگاه های دولتی نیست، تا زمانی که پای سیاست ها و تمایلات سیاسی از دامان دانشگاه های دولتی و خصوصی بیرون کشیده نشود نمی توان به نتایج که جامعه امروز از ما می طلبد نایل گردیم.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش
هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعیت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و سوم ٤جدی ۱۳۸۹ ۱۸محرم ۱۴۳۲ - 25 December 2010

آیا ناټو به خپل پوځونه د ترهګرۍ د مخنیوي لپاره د پاکستان قبایلي سیمو ته دننه کړي؟!

رفیق بحر



پدې وروستیو کې چې د افغانستان او پاکستان دننه د دواړو دولتونو مخالفو اوریکو عملیاتو کچه لوړه شوې ده او د سیمې د دواړو دولتونو امنیت یې له ګواښ سره مخ کړي دی.

یو خل دا ګنګوسي را اوچتې شوي چې امریکایي مقامات غواړي د پولې اخوا د پاکستان په قبایلي سیمو کې د ترهګرو عملیاتو د مخنیوي او د هغوی د مرکزونو د ویجاړولو لپاره د بې پیلوټه الوتکو (ډروون) د جملو سربیره خپل ځمکني پوځونه هم دغو سیمو ته دننه کړي.

دغه ګنګوسي پداسې وخت کې راولاړیږي چې په تیره میاشت کې له یوې خوا په پاکستان کې د بلوچستان، وزیرستان، کوهاټ، سوات او د مهمندو په قبایلي سیمو کې پرله پسې چاودنې ترسره شوي او په نتیجه کې یې د امنیتي ځواکونو سربیره ملکي وګړوته هم زیاته مرګ ژوبله اړولې ده او همدې ته ورته درنې چاودنې او عملیات د افغانستان دننه په بېلا بېلو ولایتونو کې ترسره شویدي چې پدې لړ کې همدا تیره اونۍ په پلازمینه کابل کې د ملي اردو په ځواکونو، او هم په شمال کې د کندز په مختلفو مرکزي سیمو باندې په امنیتي ارګانونو باندې ۶مخ

بنیاد انتخابات آزاد و عادلانهٔ افغانستان (فیفا):

امیدواریم دادگاه عالی نقش خود را در رابطه با موارد ارائه شده از سوی لوی سارنوالی ایفا نماید



جانداد سپین غر رئیس اجرائیوی بنیاد انتخابات آزاد و عادلانه افغانستان هفتهٔ گذشته طی نشست خبری برای خبرنگاران درکابل گفت: بنیاد انتخابات آزاد وعادلانه افغانستان، موارد تخلفات، تقلبات و اعمال رابطه با بسیاری از موارد متذکره، اسناد، معلومات و مدارک مستند نیز در اختیار کمیسیون های انتخابات و شکایات انتخاباتی قرار داده شده است.

وی گفت: این بنیاد از آغاز پروسهٔ انتخابات الی نتایج نهایی به صورت مستمر و دوامدار از تمام مراحل پروسه، نظارت نموده است.

به گفتهٔ سپین غر: بنیاد فیفا از بحران موجود بین کمیسیون های انتخاباتی و لوی سارنوالی شدیداً نگران بوده و توقع دارد که تمام مسایل مربوط به انتخابات، در روشنایی قوانین انتخاباتی مورد رسیدگی قرارگیرد.

این در حالیست که مقامات کمیسیون مستقل انتخابات همواره، هرگونه تقلب در پروسهٔ انتخابات ۲۸ سنبله مجلس نمایندگان سال ۱۳۸۹ را رد کرده و اظهار نموده اند که هرگاه نامزدان برنده نشدند، سرو صدا هایی را به راه می اندازند که گویا تقلب صورت گرفته است.

بدون شک در کشوری چون افغانستان که هنوز رسوباتی از گذشتهٔ استبدادی را به میراث برده است، پدیده های دموکراتیک چون انتخابات عاری از تقلب شده نمی تواند.

انتظار برده می شود تا نهادهای عدلی مصالح علیای کشور را منصفانه در نظر گرفته، به مواردی در خصوص انتخابات گذشته رسیدگی نمایند که از سوی عدهٔ به منظور بر هم زدن اوضاع نیم بند حق و ناحق مطرح می گردد. در حالی که اگر درست بازنگری شود در جمع معترضان کسانی هستند که رأی چشمگیر دارند که باید در سکوی موفقیت قرار گیرند اما در پهلوی آن ها هستند کسانی هم، که تعداد رأی شان انگشت شمار می باشد.

توزیع شهادت نامه های دورهٔ ماستری



تکساری

به تاریخ ۲۹ قوس سال جاری در همایشی که در ارگ ریاست جمهوری، به مناسبت توزیع تصدیق نامه ها به فارغان برنامهٔ ماستری دانشکدهٔ زبان و ادبیات دانشگاه کابل دایر گردیده بود، رئیس جمهور کشور، تصدیق نامه های چهل تن از فارغان رشته های فارسی دری و پشتو را توزیع نمود.

در این همایش رئیس جمهور کرزی ابراز نمود که: نباید تعصبات قومی، دینی و لسانی در دانشگاه های افغانستان وجود داشته باشد. رئیس جمهور کشور در این همایش وعده سپرد که برنامه های دکتورا را در داخل کشور مساعد خواهد ساخت.

موصوف از سیاسی شدن دانشگاه ها هشدار داد و اظهار داشت که پوهنتون باید مرکز کشمکش های قومی، زبانی، حزبی و حکومتی قرار نگیرد، در محیط اکادمیک باید معیارهای اکادمیک وجود داشته باشد و بس. رئیس دولت اظهار داشت که در پهلوی تقویهٔ زبان پشتو و دری باید سایر زبان های رایج کشور نیز تقویه گردند و زمینه های رشد آن تدارک دیده شود.

در این همایش سخنان حکیمانه از سوی مسوولان نثار گردید، از جمله تأکید گردید که مقرری ها باید در مرکز اکادمیک به اساس واسطه و پیوند های دیگر صورت نگیرد؛ چیزی که هیچ وقت در کشور تحقق نیافته است. ص۷